

تغییر نهادی

محمود متوسلی | motavaselim@gmail.com

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

علی نیکونستی | alinikoo77@gmail.com

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۳ | پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۱

چکیده: تغییر را می‌توان مهمترین مسأله در فرایند دستیابی کشورها به توسعه دانست. با توجه به اهمیت نهادها در فرایند توسعه، در حال حاضر، بحث تغییر نهادی، به یکی از مسائل مهم نهادگرایان و اندیشمندان توسعه بدل شده است. در مقاله حاضر، نشان می‌دهیم که از میان تبیین‌های مختلفی که درباره تغییر نهادی بیان شده است، تبیین گروهی از اندیشمندان که تلاش می‌کنند با اتکاء بر ایده‌ها، به تبیین مسأله تغییر نهادی بپردازند، بهتر است. در این میان، تبیین گریف و به ویژه نورث، با استقبال اندیشمندان مواجه شده است، ولی این تحلیل‌ها نیز ضعف‌هایی دارد. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظریه‌های مذکور، از جمله نظریه نورث این است که در آن توضیح داده نمی‌شود که چگونه باور (ایده) جدیدی که کارآفرینان ارائه کرده‌اند، مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد. بر اساس بررسی‌های ما، توجه به نکاتی که سایر اندیشمندان درباره نحوه فراگیر شدن ایده‌ها مطرح کرده‌اند، می‌تواند به بهبود تبیین نورث و سایر تبیین‌ها درباره تغییر نهادی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نهاد، تغییر نهادی، نهادگرایی، نورث، توسعه

مقدمه

در سال‌های اخیر، نهادها در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی، مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، فلسفه و جغرافیا مورد توجه قرار گرفته است (هاچسون^۱، ۲۰۰۶: ۱). اکنون بسیاری از اندیشمندان، از جمله نورث^۲ (۱۹۹۰، ۲۰۰۵)، گریف^۳ (۲۰۰۶)، آسم اوغلو، جانسون و رابینسون^۴ (۲۰۰۱) و شرلی^۵ (۲۰۰۸) برای تبیین دلایل رشد و توسعه کشورها به نهادها توجه می‌کنند. گسترش توجه به نهادها تا حدی است که در سال‌های اخیر، علاوه بر مراکز علمی، نهادهای سیاست‌گذاری مانند بانک جهانی نیز به بحث نهادها توجه ویژه‌ای داشته‌اند (جیمسون^۶، ۲۰۰۶: ۳۶۹). توجه به نهادها سبب شده است که یک پرسش در مرکز توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گیرد. پرسش مذکور این است: چگونه نهادها تغییر می‌کنند؟

مسئله تغییر نهادی برای همه نهادگرایان و اندیشمندانی که به بررسی مسأله توسعه و امور سیاست‌گذاری

می‌پردازند، اهمیت دارد، زیرا در سال‌های اخیر، توافق عمومی درباره این موضوع پدید آمده است که نهادها عامل اصلی توسعه و پیشرفت کشورها است و ایجاد تحول و دستیابی به توسعه پایدار، منوط به تغییر آنها است. این موضوع باعث می‌شود که مسأله تغییر نهادی، در مرکز توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. برای مثال، به اعتقاد رودریک، اقتصاددانان از زمان آدام اسمیت^۷ می‌دانستند که ویژگی‌هایی مانند شفافیت، کارآمدی، برابری حقوقی، فساد کم و مشارکت، برای حکومت‌ها اهمیت دارد، اما مسئله اصلی، شیوه دستیابی به آن است که هنوز اطلاعات اندکی درباره آن داریم (رودریک، ۲۰۰۸: ۱۸). داگلاس نورث نیز درباره این موضوع می‌نویسد: «مشکل، آشکار است. ما شرایط اقتصادی و نهادی را می‌شناسیم که عملکرد اقتصادی خوب را پدید می‌آورند. آنچه نمی‌دانیم این است که چگونه می‌توان این شرایط را ایجاد کرد. برای این کار، به نظریه‌ای نیاز داریم تا فرایند تغییر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را کاوش کنیم. وقتی چنین نظریه‌ای داشته باشیم، به پیشرفت بیشتری در حل مشکلات توسعه دست خواهیم یافت» (نورث، ۲۰۰۱: ۴۹۱).

با توجه به اهمیت موضوع تغییر نهادی، گروه کثیری از اندیشمندان در خلال سال‌های اخیر تلاش

1. Hodgson
2. North
3. Greif
4. Acemoglu, Johnson & Robinson
5. Shirley
6. Jameson
7. Smith

کرده‌اند که به این پرسش پاسخ دهند که چگونه نهادها تغییر می‌کند. نورث (۱۹۹۰، ۲۰۰۵)، استروم^۱ (۱۹۹۰)، گریف و لایتین^۲ (۲۰۰۴)، آئوکی^۳ (۲۰۰۷)، موهانی و دلن^۴ (۲۰۱۰) از جمله اندیشمندان مذکور هستند. اما همچنان پرسش‌های فراوانی درباره این موضوع وجود دارد.

از این رو، با توجه به اهمیت مسأله، موضوع مقاله حاضر، تغییر نهادی است. در مقاله حاضر، نخست درباره نظریه نهادی و سپس درباره تغییر نهادی بحث می‌کنیم. در بحث درباره تغییر نهادی نشان می‌دهیم که از میان رویکردهای مختلفی که درباره این موضوع وجود دارد، گروهی از اندیشمندان، موضوع تأثیر ایده‌ها را به عنوان عامل تغییر نهادی مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو، در بخش بعد، نظریه نورث و گریف را که از پیشگامان این موضوع هستند، مورد توجه قرار می‌دهیم. سپس نشان می‌دهیم که نظریه‌های مذکور، به ویژه نظریه نورث با وجود انسجام خوبی که دارد و استقبال فراوانی که از آن شده است، هنوز ضعف‌هایی دارد و نقدهایی به آن وارد شده است که در ادامه، ضمن بررسی آنها، پیشنهادهایی را برای رفع ضعف‌ها بیان می‌کنیم.

نهادگرایی

استفاده از کلمه نهاد، قدمتی بسیار طولانی دارد و حداقل برای اولین بار، گیامباتیستا ویکو^۵ (۱۷۲۵) در کتاب ساینزا نووا^۶ آن را مورد استفاده قرار داد (هاچسون، ۲۰۰۶: ۱). بر خلاف تصور عمومی، آدام اسمیت نیز به تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی واقف بود، به گونه‌ای که در کتاب ثروت ملل، بیش از ۸۰ بار از واژه نهاد استفاده کرد (اسمیت، ۱۷۷۶). اسمیت حتی زمانی که درباره دلایل تفاوت کشورها و وضعیت اقتصادی آنها بحث می‌کند، توجه ویژه‌ای به نهادها دارد. به اعتقاد وی، «چین مدت‌ها است که یکی از ثروتمندترین کشورها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از حاصلخیزترین کشورهاست که به خوبی در آن کشت می‌شود و کشوری بسیار صنعتی شده و پرجمعیت است.... ظاهراً این کشور مدت‌ها است که به دلیل ماهیت قوانین و نهادهایش به حد مطلوبی از ثروت دست یافته است» (اسمیت، ۱۷۷۶: ۱۰۵). وی همچنین، در نامه‌اش به لرد کارلیس در سال ۱۷۷۹، نوشته است: «ایرلند به نظم، پلیس و سازمان منظم قضایی برای حفظ و کنترل مردم

1. Ostrom
2. Laitin
3. Aoki
4. Mahoney & Thelen
5. Giambattista Vico
6. Scienza Nuova

رده پایین، احتیاج دارد، برای پیشرفت صنعت، قوانین^۱ از زغال سنگ و چوب ضروری تر است» (به نقل از باسو، ۲۰۰۱: ۷۱). وی مجموعه‌ای از نهادهای لازم را برای تسهیل تجارت نام برد (اسمیت، ۱۷۷۶: ۱۰۰۳-۹۶۴) و با فاصله گرفتن از بحث سپردن امور به سازوکار بازار، معتقد بود که دولت باید هزینه نهادهای آموزشی را برای جوانان تأمین کند (اسمیت، ۱۷۷۶: ۱۰۴۹-۱۰۱۳).

با وجود این، به دلایل مختلف از جمله علاقه شدید برخی از اقتصاددانان به علم فیزیک و الگو گرفتن از آن، اشتباه آنها در تفکیک و جدا کردن علم اقتصاد از سایر علوم انسانی، تأثیر حوادث سیاسی، و مجموعه‌ای از دلایل روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، توجه به نهادها کاهش یافت و اقتصاددانان به تدریج ترجیح دادند که نهادها را داده شده در نظر بگیرند^۲ (شومپتر^۳، ۱۹۸۱: ۵۱۸). این وضعیت ادامه داشت تا اینکه شکلگیری اقتصاد نهادی قدیم^۴ با آثار افرادی مانند وبلن^۵ (۱۹۲۵-۱۸۶۲)، کامونز^۶ (۱۸۶۲-۱۹۴۵)، میچل^۷ (۱۸۷۶-۱۹۴۸) آیرس و سایر پیروان آنها آغاز شد. اما اصطلاح اقتصاد نهادی با مقاله همیلتون^۸ که در سال ۱۹۱۹، در کنفرانس انجمن اقتصاد امریکا ارائه شد، مورد توجه عمومی قرار گرفت (راثرفورد^۹، ۲۰۰۰: ۱۷۴؛ هاجسون، ۲۰۰۰: ۳۱۷). البته همیلتون در مقاله مذکور، درباره رهبری جریان نهادگرا توسط افرادی مانند وبلن، میچل و آدامز بحث کرد (همیلتون، ۱۹۱۹: ۳۱۸). نهادگرایان اولیه که جریان انتقادی نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک بودند، آرای مشترکی داشتند که عبارت بود از: (۱) تأکید بر عمل جمعی بیش از عمل فردی؛ (۲) بررسی تکاملی اقتصاد به جای بررسی‌های مکانیکی؛ (۳) تأکید بر مشاهدات تجربی به جای استدلال‌های قیاسی (کلاین^{۱۰}، ۱۹۹۹: ۴۵۶). آنها به دستاوردهای سایر علوم نیز توجه ویژه‌ای داشتند (کامونز، ۱۹۳۱: ۶۴۸؛ میچل، ۱۹۱۰: ۱۹۷). با تلاش پیشگامان نهادگرایی، اقتصاد نهادی، به تدریج به یکی از مکاتب مهم اقتصادی بدل گشت، ولی در فاصله میان دو جنگ جهانی رو به افول رفت^{۱۱}. همزمان با

1. Articles

۲. برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع ر. ک. به

متوسلی، محمود، مشهدی احمد، محمود، نیکونستی، علی (۱۳۸۹). غفلت از مسأله نهاد، دلایل و اثرات آن بر مطالعات بین‌رشته‌ای در اقتصاد، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای، (۳).

3. Schumpeter

4. Old Institutional Economic

5. Thorstein Veblen

6. Commons

7. Mitchell

8. Hamilton

9. Rutherford

10. Klein

۱۱. برای اطلاع از دلایل افول نهادی قدیم ر. ک. به راثرفورد، ۲۰۰۱: ۱۸۲-۱۸۵؛ راثرفورد، ۲۰۰۰: ۲۹۸-۳۰۰

افول اقتصاد نهادی قدیم، به تدریج اقتصاد نهادی جدید در حال شکل‌گیری بود. شکل‌گیری اقتصاد نهادی جدید^۱ با مقاله کوز^۲ با نام ماهیت بنگاه در سال ۱۹۳۷ آغاز شد (کوز، ۱۹۹۸: ۷۲). ولی تا مدت‌ها از این مکتب فکری با عنوان مکتب نهادی یاد می‌شد و اولین بار، ویلیامسون اصطلاح اقتصاد نهادی جدید را در سال ۱۹۷۵، مورد استفاده قرار داد (کلاین، ۱۹۹۹: ۴۵۶؛ هاجسون، ۲۰۰۲: XIV؛ کوز، ۱: b1۹۹۹). کلاین در توضیح اقتصاد نهادگرایی جدید گفته است: «اقتصاد نهادگرایی جدید، رشته‌های اقتصاد، حقوق، نظریه سازمان، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را ترکیب می‌کند تا به درک مناسبی از نهادهای اجتماعی، سیاسی و بازرگانی دست یابد و به طور آزادانه از رشته‌های مختلف علوم اجتماعی وام می‌گیرد، ولی زبان اصلی آن اقتصاد است. هدف اقتصاد نهادگرایی جدید این است که توضیح دهد نهاد چیست، چگونه به وجود می‌آید، برای چه اهدافی سودمند است، چگونه تغییر می‌کند و چگونه اصلاح‌پذیر است» (کلاین، ۱۹۹۹: ۴۵۶). مهم‌ترین مسأله‌ای که این مکتب را از اقتصاد نهادی قدیم جدا می‌کند، همراهی آن با اقتصاد نئوکلاسیک است. بر خلاف اقتصاد نهادی قدیم، نهادگرایان جدید درصدد کنار گذاشتن اقتصاد نئوکلاسیک نیستند و بیشتر برای اصلاح آن حرکت می‌کنند (نورث، ۱۹۹۵: ۱۹؛ کوز، b1۹۹۹: ۵). اما آنچه به عنوان اقتصاد نهادی جدید شناخته می‌شود، نگرش‌های مختلفی را شامل می‌گردد که نکته اشتراک آنها، تأکید بر اهمیت نهادها، البته با رویکردهای متفاوت است و به اعتقاد کوز، اقتصاد نهادی جدید، فکری واحد نیست (کوز، ۴: a1۹۹۹). برخی دیگر از اندیشمندان نیز فارغ از تقسیم‌بندی‌های موجود میان رشته‌ها، در کل خود را نهادگرا می‌نامند و معتقد هستند که نهادگرایی جدید، چندین شاخه متفاوت دارد. یکی از رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌ها درباره نهادگرایان جدید، تقسیم آنها به سه شاخه نهادگرایان تاریخی^۳، نهادگرایان انتخاب عقلایی^۴ و نهادگرایان جامعه‌شناختی^۵ است (جورجس^۶، ۲۰۰۱: ۷). آثار بسیاری را می‌توان یافت که در آنها، درباره این تقسیم‌بندی بحث شده است؛ اثر هال و تیلور^۷ (۱۹۹۶)، کوالبل (۱۹۹۵)، تورفینگ^۸ (۲۰۰۱) از این جمله هستند. البته درباره این تقسیم‌بندی‌ها، اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد که خارج از بحث این مقاله است؛ اما چند

1. New Institutional Economics
2. Coase
3. Historical Institutionalism
4. Rational Choice Institutionalism
5. Sociological Institutionalism
6. Gorges
7. Hall & Taylor
8. Torfing

نکته درباره این موضوع آشکار است؛ اولاً، نهادگرایی در سال‌های اخیر بسیار گسترش یافته است و کلیتی منسجم نیست. دوم اینکه، به تبع این گسترش و تنوع، با یک نظریه درباره تغییر نهادی مواجه نیستیم و نظریه‌های متفاوتی درباره این موضوع وجود دارد که در ادامه برخی از آنها بررسی می‌شود.

تغییر نهادی

نهادگرایان قدیم اصولاً برای آشکار کردن اثر نهادها بر کنش تلاش می‌کردند و عملاً یک جریان تأسیسی بودند که آثار نهادها را بر فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشخص می‌کردند، از این رو، بخش کمتری از بحث‌شان به تغییر نهادی اختصاص داشت.^۱ توجه به مسأله تغییر نهادی، در مرکز توجه نهادگرایان جدید قرار دارد. همان طور که بیان شد، بسیاری از اندیشمندان، نهادگرایان جدید را به سه گروه تقسیم می‌کنند. تورفینگ با توجه به تقسیم‌بندی مذکور، آرای آنها در جدول ذیل به طور خلاصه بیان کرده است.

تغییر نهاد از دیدگاه شاخه‌های مختلف نهادگرایی

نهادگرایان جامعه شناختی	نهادگرایان تاریخی	نهادگرایان انتخاب عقلایی	پرسش / شاخه نهادی
نهادها به سختی تغییر می‌کند، زیرا آنها ساختاری را شکل می‌دهد که بر اساس آن، کنشگران نهادهای موجود را ارزیابی و درباره تغییرات فکر می‌کنند.	نهادها تغییر می‌کند، به واسطه پاسخ‌های متناقضی که به رویدادهای بیرونی مانند فناوری جدید، بحران اقتصادی و مانند آن داده می‌شود.	تغییر نهادی دشوار است، زیرا نهادها مزایایی را برای کنشگران مرتبط، به ارمان می‌آورند. با این حال، نهادها ممکن است به واسطه اصلاحات عمده، تغییر کند و این وضعیت زمانی پدید می‌آید که ساختار ترجیحات، تغییر کرده باشد.	چگونه نهادها تغییر می‌کند

منبع: تورفینگ، ۲۰۰۱: ۲۸۴

اندیشمندان دیگری نیز درباره این موضوع نظر خود را بیان کرده‌اند، برای مثال، هال و تیلور

۱. برای آشنایی بیشتر با آرای اندیشمندان اقتصاد نهادی قدیم، ر. ک. به: متوسلی، محمود، مشهدی احمد، محمود، نیکونستی، علی، سمیعی نصب، مصطفی (۱۳۸۹). اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

(۱۹۹۶) معتقد هستند از نظر نهادگرایان انتخاب عقلایی، نهادها منافعی برای کنشگرانی دارند که تحت تأثیر نهادها هستند و درباره ایجاد نهادها، توافقی داوطلبانه میان افرادی ایجاد می‌شود که نهاد مذکور، با آنها در ارتباط است. علاوه بر این، نهادهایی بقا می‌یابند که منافع بیشتری برای کنشگران مرتبط دارند (هال و تیلور، ۱۹۹۶: ۹۴۴). آنها درباره نهادگرایان اجتماعی بیان کرده‌اند که نگرش گسترده نهادگرایان جامعه‌شناختی به نهاد باعث شده است عوامل گوناگونی را در تغییر نهادها مؤثر بدانند. به اعتقاد آنها، تغییرات فرهنگی در جامعه باعث می‌شود که نهادها برای حفظ مشروعیت خود تغییر کنند (هال و تیلور، ۱۹۹۶: ۹۴۹). جورجس نیز هم نظر با تورفینگ درباره نهادگرایان تاریخی می‌نویسد: «در میان اغلب کسانی که نهادگرایی تاریخی محسوب می‌شوند، نهادهای موجود، معمولاً پایداری خوبی دارند و تغییر به دلیل وابستگی به مسیر، غیرجذاب است». با وجود این، جورجس تغییرات را ناممکن نمی‌داند و می‌نویسد: «نهادگرایان تاریخی فرصت‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند که برای تغییر نهادها در زمان بحران‌ها خلق می‌شود. وقتی هر ایده‌ای برای متوقف کردن [بحران] مطرح می‌شود و کنشگران سیاسی جوابی را برای مشکل پیش رو جستجو می‌کنند» (جورجس، ۲۰۰۱: ۱۳۰).

همان‌طور که گفته شد، درباره تقسیم‌بندی نهادگرایان جدید، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. از این رو، جدول فوق نیز مورد توافق همه نهادگرایان نیست. اما نکته حائز اهمیت این است که در خلال سال‌های اخیر، بسیاری از نهادگرایان تلاش کرده‌اند با اتکاء بر بحث ایده‌ها و نحوه گسترش آن، به تبیین تغییر نهادی بپردازند که از آن جمله، می‌توان نورث (۲۰۰۵)، گریف (۲۰۰۶)، کمپل^۱ (۱۹۹۸) و هی^۲ (۲۰۰۶) را نام برد. از این رو، خواه این گروه را نهادگرایان تاریخی در نظر بگیریم یا خیر، بحث ایده‌ها و اثر آن بر تغییر نهادی، به یکی از تبیین‌های مهم در این حوزه بدل شده است. به ویژه اینکه، دو نفر از سرشناس‌ترین نهادگرایان، یعنی نورث و گریف نیز این نحوه تبیین را مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو، در ادامه به بررسی و نقد نظریه‌های آنان می‌پردازیم. نخست درباره نورث بحث می‌کنیم، زیرا نورث تأثیر فراوانی در گسترش توجه به نهادها در میان پژوهشگران علوم انسانی، توجه به نهادها در مباحث اقتصاد سیاسی و توسعه و نیز توجه مراکز تصمیم‌گیری جهانی به نهادها داشته است (مینارد و شرلی^۳، ۲۰۱۰: ۱۹-۱۷). تعریف وی درباره نهادها، مورد قبول اکثر پژوهشگران است (کینگستون و کابالرو^۴، ۲۰۰۹: ۱۵۴) و تبیینی که وی درباره تغییر نهادی بیان می‌کند، منحصر به فرد و پویا است (آئوکی، ۲۰۱۰: ۱۴۰-۱۳۹).

1. Campbell
2. Hay
3. Menard & Shirley
4. Kingston & Caballero

نهادهای و تغییر نهادی از دیدگاه نورث

نورث معتقد است انسان‌ها همواره با عدم اطمینان روبرو هستند و تلاش می‌کنند آن را کاهش دهند (نورث، ۲۰۰۵: ۱۹). در واقع، انسان‌ها برای کاهش عدم اطمینان، نهادها را ایجاد می‌کنند (نورث، ۱۹۹۵: ۱۹). به اعتقاد وی، «عدم اطمینان اولیه با آموزش دو نوع از تجربیات کاهش می‌یابد که از محیط پیرامون فیزیکی و محیط زبانی فرهنگی - اجتماعی حاصل می‌شود» (نورث، ۲۰۰۵: ۱۵). سپس نورث بیان کرده است که یادگیری اولیه، ساختاری را برای تفسیر پیام‌های گوناگون دریافت شده توسط حواس توسعه می‌دهد. ساختاری که چارچوب اولیه آن، ژنتیکی است، اما ساختار ثانویه آن، حاصل دو نوع آموزشی است که بیان گردید. وی سپس درباره چارچوبی بحث می‌کند که برای سازماندهی ادراک ما و حفظ نتایج تحلیلی، از اوایل کودکی ایجاد می‌شود و تکامل می‌یابد (نورث، ۲۰۰۵: ۲۵). نورث برای درک بهتر این چارچوب، از اصطلاح مدل‌های ذهنی استفاده می‌کند. به اعتقاد وی، ما مدل‌های ذهنی را برای تبیین و تفسیر محیط می‌سازیم و بازخوردی که از محیط پیرامونی می‌گیریم، مدل‌های مذکور را تقویت یا اصلاح می‌کند (نورث، ۲۰۰۵: ۲۵). در نهایت، «هنگامی که پاسخ‌های محیطی، در بیشتر اوقات مدل‌های ذهنی یکسانی را تأیید می‌کند، مدل‌های مذکور، تا اندازه‌ای تثبیت می‌شود. ما این مدل ذهنی نسبتاً تبلور یافته را "باور" و به هم‌پیوستگی باورها^۱ (که می‌توانند استوار یا بی‌ثبات باشند) را "نظام باورها"^۲ می‌نامیم که فرد را برای بقا در محیط پیرامونش در گذشته توانا می‌کرد. نظام باورها با نظام انگیزشی^۳ مرتبط است. نظام باورها، ویژگی فیلتر عمومی را برای همه فرایندهای جدید تحریک دارد. بنابراین، به درستی میسر است که فرض کنیم نظام باورها، تقریباً در برابر تغییرات ناگهانی مقاوم است» (منتزاوینوس، نورث، شریق^۴، ۲۰۰۴: ۷۶). اما موضوع مهم، زمانی است که مشکلات بر اساس مدل‌های ذهنی موجود حل نمی‌شود. به اعتقاد نورث، در این وضعیت، ذهن مدل‌های جدیدی را برای حل مشکل پیشنهاد می‌کند (منتزاوینوس، نورث، شریق^۴، ۲۰۰۴: ۷۶). نورث تأکید می‌کند با اینکه پاسخ‌های محیطی، تأثیر مهمی در تصحیح مدل‌ها دارند، اما امکان تفسیر اشتباه آنها نیز وجود دارد. تعصبات تاریخی^۵، اسطوره‌ها^۶، خرافات^۷ و ایدئولوژی‌ها نیز تأثیر مهمی در این تفسیر اشتباه دارد (منتزاوینوس، نورث، شریق^۴، ۲۰۰۴: ۷۶). نورث

1. Interconnection of Belief
2. Belief System
3. Motivational System
4. Mantzavinos, North & Sharig
5. History of Dog,as
6. Myths
7. Superstitions

پس از بیان مقدمات فوق، بحث نهادها را مطرح می‌کند. به اعتقاد وی، رابطه نزدیکی میان مدل‌های ذهنی، نظام باورها و نهادها وجود دارد، به گونه‌ای که به اعتقاد وی، نهادها از نظام باورها استخراج می‌شود (نورث، ۲۰۰۵: ۴۸). نورث ادامه می‌دهد «نظام باورها، بازنمای داخلی چشم‌انداز انسانی را ماندگار می‌کند. نهادها ساختارهایی است که انسان‌ها بر این چشم‌انداز تحمیل می‌کنند تا محصول مورد علاقه خود را به دست آورند. بنابراین، نظام باورها بازنمایی داخلی و نهادها بروز خارجی این بازنمایی است»^۱ (نورث، ۲۰۰۵: ۴۹). همان طور که در ادامه خواهیم دید، این مباحث، بنیان نظریه نورث را درباره تغییر نهادی شکل می‌دهد، اما قبل از بحث درباره تغییر نهادی لازم است تعریف نورث را درباره نهادها بیان کنیم.

به اعتقاد نورث، «نهادها قراردادهای ابداع شده انسانی است که کنش‌های متقابل انسانی را ساختارمند می‌کند. آنها از قوانین رسمی (برای مثال، قواعد، قوانین، قانون اساسی) قوانین غیررسمی (برای مثال، ارزش‌های رفتاری، عرف، قوانین بر خود تحمیل شده رفتار^۲) و خصوصیات اجرایی آنها تشکیل شده است» (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۰). سپس نورث تفاوت میان نهادها و سازمان‌ها را بیان کرده است. به اعتقاد وی، اگر نهادها را قواعد بازی در نظر بگیریم، سازمان‌ها بازیکنان خواهند بود (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱؛ نورث، ۲۰۰۰: ۲۳). وی در توصیف سازمان‌ها بیان می‌کند: «سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل شده است که حول هدف مشترکی برای دستیابی به اهداف معینی متحد شده است. سازمان‌ها شاکله‌های^۳ سیاسی (برای مثال، بازیگران سیاسی، سناتورها، شورای شهر، هیأت‌های نظارت‌کننده) شاکله‌های اقتصادی (برای مثال، شرکت‌ها، اتحادیه تجاری، مزارع فامیلی، شرکت‌های تعاونی)، شاکله‌های اجتماعی (کلیساها، کلوپ‌ها، انجمن‌های ورزشی) و شاکله‌های آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش شغلی) را شامل می‌شود» (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱؛ نورث، ۲۰۰۰: ۲۳). سازمان‌ها انعکاس‌دهنده فرصت‌هایی است که نهادها ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، «اگر چارچوب نهادی، برای دزدی و فعالیت‌های خلاف پاداش دهد، سازمان‌ها در جهت خلافتکاری و دزدی سامان می‌یابد و اگر چارچوب نهادی، به فعالیت‌های تولیدی پاداش دهد، سازمان‌هایی به وجود می‌آید که فعالیت‌های مولد و تولیدی را ترویج می‌کند» (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱).

نورث در آثار مختلف خود، عوامل گوناگونی را در تغییر نهادی مؤثر دانسته است. برای مثال،

۱. نورث در برخی مقالات با تساهل از عنوان مدل‌های ذهنی مشترک به جای نظام باورها استفاده کرده است. به اعتقاد وی، نهادها تبلور مدل‌های ذهنی مشترک هستند (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۳). ولی ما در مقاله حاضر، برای جلوگیری از تشتت از همان اصطلاح نظام باورها استفاده می‌کنیم.

2. Self-Imposed Codes of Conduct
3. Political Bodies

وی در سخنرانی نوبل خود بیان کرده است که تحول نهادی نیز حاصل تعامل میان سازمان‌ها و نهادهاست (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱) و در توضیح آن یادآور شده است که «دلیل تغییرات این است که افراد پی می‌برند با تجدید ساختار مبادلات (سیاسی یا اقتصادی) بهتر می‌توانند عمل کنند. منشأ تغییر در نگرش افراد درباره اقتصاد، ممکن است عاملی بیرونی باشد، مثلاً تغییر در قیمت و کیفیت در اقتصادی دیگر که بینش افراد را درباره فرصت‌های سودآور تغییر می‌دهد» (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱). البته نورث یادگیری را نیز عامل تغییر در بلندمدت می‌داند که عامل یادگیری نیز تلاش سازمان‌ها برای بقاست (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱). نگاهی به سایر آثار وی نشان می‌دهد پاسخ به تغییرات قیمت در مدل نورث، با آنچه در مدل‌های نئوکلاسیک بیان می‌شود، متفاوت است. به اعتقاد نورث، تغییرات قیمت در کشورهای مختلف، نتایج متفاوتی دارد، زیرا در کشورهای مختلف، نه تنها سازمان‌هایی که قرار است به تغییرات قیمتی عکس‌العمل نشان دهد، به لحاظ قدرت چانه‌زنی و در نتیجه تغییراتی که می‌تواند به وجود آورد، متفاوت است، بلکه «کنشگران با توجه به پیشینه متفاوت و بازخورد ناقص نتایج، مدل‌های ذهنی متفاوتی خواهند داشت و بنابراین سیاست‌های متفاوتی را اجرا خواهند کرد» (نورث، ۱۹۹۰: ۱۰۱). البته توجه به دو نکته ضروری است. تغییرات قیمت نسبی همیشه به تحول نهادی نمی‌انجامد و گاه طرفین مبادله نتیجه می‌گیرند با وجود تغییر قیمت‌ها، تخصیص منابع را در قالب چارچوب نهادی موجود انجام دهند. آنها ممکن است از نهادهای موجود راضی نباشند، اما این وضعیت را کم‌هزینه‌تر می‌بایند (نورث، ۱۹۹۰: ۸۶). نکته دوم، این است که تغییرات گاه ناپیوسته است و مواردی مانند جنگ‌ها، انقلاب‌ها و بلایای طبیعی، منشأ تغییرات ناگهانی و ناپیوسته می‌شود (نورث، ۱۹۹۰: ۸۹).

با وجود توضیحات فوق درباره تغییر نهادی، نورث در کتاب "درک فرایند تغییر اقتصادی"، تبیینی درباره تغییر نهادی بیان می‌کند که می‌توان آن را تکمیل‌کننده مباحث قبلی دانست. وی در کتاب مذکور بیان کرده است: «نوعی از تغییر، هنگامی اتفاق می‌افتد که سازوکارهای قدیمی که تعهدات معتبر را در جامعه پدید می‌آورد، از بین می‌رود، بدون اینکه جانشین مناسبی فراهم شده باشد. نمونه آن، مرگ یک حاکم دیکتاتور است. اما این وضعیت، عموماً بازتاب یک بحران است که اجازه جابجایی قدرت را به نفع کسانی می‌دهد که خواهان تغییرات سیاسی اساسی هستند» (نورث، ۲۰۰۵: ۱۰۶). به اعتقاد وی، بحران می‌تواند به طرق مختلف، باعث سرنگونی نظم موجود شود؛ برای مثال، بحران اقتصادی ممکن است منابعی را کاهش دهد که میان حامیان نظم موجود، توزیع می‌شد و این مسأله، باعث کاهش حمایت آنها شود (نورث، ۲۰۰۵: ۱۰۶). نورث درباره تغییرات انقلابی نیز بحث می‌کند

و معتقد است که برخی از گروه‌ها، هزینه چنین تغییراتی را کمتر از تغییرات تدریجی می‌دانند. وی در توصیف این تغییرات، نظر دی فیگورید و وینگست^۱ را بیان می‌کند که تغییرات را به سه مرحله تقسیم کرده است. تغییرات به طور خلاصه عبارت است از:

۱. کارآفرینان سیاسی، مجموعه جدیدی از باورها را در که در تضاد کامل با نظم موجود است، مفصل‌بندی می‌کنند و این باورها در ابتدا فقط مورد پذیرش گروه اندکی از مردم قرار می‌گیرد.

۲. مجموعه‌ای از حوادث که خارج از کنترل موافقان باورهای موجود است، باعث می‌شود که مردم به باورهای جدید اعتقاد یابند.

۳. در نهایت، برخی از تصمیم‌گیرندگان مهم این عقاید را می‌پذیرند و به حمایت سیاسی از آنها می‌پردازند (نورث، ۲۰۰۵: ۱۰۷-۱۰۶).

نورث در نهایت مدل زیر را ارائه می‌کند (نورث، ۲۰۰۵: ۱۵۵).

باورها ← نهادها ← سیاست‌ها ← نتایج

و همان‌طور که بیان شد، مدل‌های ذهنی قبل از باورها قرار دارند.

نورث در مدل فوق تلاش کرده است میان باورها، نهادها و تغییرات آنها، ارتباط منطقی ایجاد کند و تا حدود زیادی موفق بوده است. همچنین ظاهراً آنچه وی مدل‌های ذهنی یا باورهای جدید می‌نامد که برای حل مشکلات به وجود می‌آید، عملاً معادل مفهوم ایده‌های جدید است. وی گاهی نیز مفهوم ایده‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهد و با صراحت بیان می‌کند که ایده‌ها تأثیر مهمی در تغییر باورها دارد (نورث، ۲۰۰۵: ۱۸). مدل مذکور، قرابت فراوانی نیز با مدل دی فیگورید و وینگست دارد که نورث نیز به این موضوع معتقد است. اما با وجود تلاش‌های بدیع نورث، نقدهایی به نظریه وی وارد شده است که در ادامه بیان می‌شود.

انتقادهایی به نظریه نورث

نورث مدل‌های ذهنی و محدودیت‌های غیررسمی و نهادها را یکسان می‌پندارد و همان‌طور که گفته شد، نهادها را تبلور نظام باورها یا مدل‌های ذهنی مشترک در خارج از ذهن می‌داند؛ در حالی که آنها به لحاظ جایگاه هستی‌شناختی^۲، متفاوت هستند. مدل‌های ذهنی، مانند نقشه‌ای است که تفسیر از نهادهای رسمی و غیررسمی را شکل می‌دهد (روزنباوم^۳، ۲۰۰۱: ۸۹۳). وی در گذشته از ایدئولوژی

1. De Figuerido & Weingast

2. Ontological Status

3. Rosenbaum

برای بیان این مسأله استفاده می‌کرد (دنزاو^۱ و نورث، ۱۹۹۴: ۲). اکنون ظاهراً نظام باورها را جایگزین آن کرده است و در نهایت، بر اساس مدل نورث، افراد درباره هر مشکل به بررسی می‌پردازند و در صورت عدم موفقیت در حل مشکل، مدل ذهنی بر اساس راه‌حل ارائه شده تغییر می‌کند. در واقع، همان طور که روزنبوم بیان کرده است، مشکل کلی این تحلیل، عدم توجه به تفاوت هستی‌شناختی الگوهای ذهنی، نظام باورها یا ایدئولوژی و نهادهاست. افراد برای حل یک مسأله، مدل نمی‌سازند، بلکه بر اساس نقشه‌ای کلی، راه‌حل‌های مسائل جزئی را بیان می‌کنند و آن نقشه کلی را نمی‌توان یگانه ارتباط میان راه‌حل‌های جزئی دانست، همان طور که جنگل صرفاً چند درخت نیست و در کنار هم بودن آنها، خصوصیات دیگری را نیز پدید می‌آورد. کوهن برای توصیف این نقشه کلی، از واژه پارادایم استفاده می‌کند (چالمرز، ۱۳۷۹: ۸۱). لاکاتوش از واژه برنامه پژوهشی استفاده می‌کند و اندیشمندان گفتمانی، اصطلاح گفتمان را به کار می‌گیرند. همچنین تحول در این نقشه کلی، حاصل تحول اجزای آنها نیست که این موضوع، ما را متوجه نقد دوم به نورث می‌کند.

نکته دوم این است که نورث ضمن مخالفت با الگوی کوهن در بررسی مسائل اجتماعی معتقد است تغییرات تدریجی می‌تواند به ایجاد یک ایدئولوژی یا نظام معنایی جدید یا آن چیزی بینجامد که کوهن تغییر پارادایم می‌نامد (دنزاو و نورث، ۱۹۹۴: ۲۵). البته با توجه به این موضوع که کوهن معتقد است پارادایم‌ها قیاس‌ناپذیر است. نورث هیچ توضیحی درباره این موضوع بیان نمی‌کند که چگونه تغییرات تدریجی ممکن است چنین نتیجه‌ای را پدید آورد (فیوری^۲، ۲۰۰۲: ۱۰۳۸)

اما نکته‌ای دیگری که در مقاله حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد، نقدی است که آئوکی به خوبی آن را مطرح کرده است. به اعتقاد آئوکی، نورث توضیح نمی‌دهد چگونه باورهای جدیدی که کارآفرینان خلق می‌کنند، به باورهای رفتاری عمومی^۳ تبدیل می‌شود و در نگاه افراد، به نهاد تبدیل می‌گردد (آئوکی، ۲۰۱۰: ۱۴۱). آئوکی برای پاسخ به این پرسش، نظریه بازی را مورد توجه قرار می‌دهد، اما پیش از وی نیز گروهی دیگر از اندیشمندان، به نظریه‌های نهادی انتقاد کرده بودند که نمی‌تواند به خوبی تغییر را توضیح دهد و تلاش کرده است با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری و گسترش ایده‌ها، به این پرسش پاسخ دهد (کمپل، ۱۹۹۸؛ هی، ۲۰۰۶؛ اشمیت^۴، ۲۰۰۶-۲۰۰۸). پس از بررسی آرای گریف، این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

1. Denzau
2. Fiori
3. Shared Behavioral Beliefs
4. Schmidt

گریف و مسأله تغییر نهادی

گریف برای تبیین نهادی، از مفهوم مبادله^۱ استفاده کرده است. به اعتقاد وی، واحد تحلیل در بررسی‌های نهاد و بازی نیست، بلکه مفهومی خاص از مبادله است که با مفهوم مبادله در اصطلاح هزینه مبادله، تفاوت دارد (گریف، ۲۰۰۶: ۱۵). وی در تبیین این مفهوم می‌نویسد: «مبادله در اینجا به کنشی گفته می‌شود که در آن یک شیء^۲، مانند کالا، نگرش اجتماعی، احساسات، عقاید یا اطلاعات از یک واحد اجتماعی به واحد اجتماعی دیگر انتقال می‌یابد. این واحد اجتماعی می‌تواند شخص، سازمان یا واحدهای مستقل دیگری باشد» (گریف، ۲۰۰۶: ۴۶-۴۵). گریف بیان می‌کند که تمرکز بر مبادلاتی است که آثار خارجی را به واسطه اثر مستقیم بر رفاه، دانش، باورهای درونی شده و غیره ایجاد می‌کند. مبادله‌های مذکور، مبادله‌های مرتبط با مجازات قانونی و مجازات اجتماعی که بر رفاه اثر می‌گذارد و مقاله‌ها و سمینارهایی را شامل می‌شود که یک نظر را پدید می‌آورد و بر باورهای درونی شده تأثیر می‌گذارد (گریف، ۲۰۰۶: ۴۶). وی مبادله‌ها را به دو دسته (اصلی) مرکزی^۳ و کمکی^۴ تقسیم کرده و به بیان نقش مبادله‌ها در پیدایش قواعد، ارزش‌ها، درونی شدن باورها و غیره پرداخته است. وی حتی سازمان‌ها را به عنوان حوزه‌هایی معرفی می‌کند که مبادله کمکی در آنها انجام می‌شود و بر رفتارها تأثیر می‌گذارد (گریف، ۲۰۰۶: ۵۲-۴۶). ظاهراً انتقادی که به نورت درباره نحوه گسترش ایده‌ها (باورها) وارد می‌شود، به گریف نیز وارد است و وی شرح کاملی درباره نحوه تأثیر بر باورها و ایجاد باورهای جدید بیان نمی‌کند؛ از این رو، در ادامه به بررسی نظریه‌هایی می‌پردازیم که در آنها برای تبیین بهتر موضوع تلاش شده است.

باورهای جدید و گسترش آنها

همان‌طور که گفته شد، در سال‌های اخیر، گروهی از اندیشمندان تلاش کرده‌اند با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری و گسترش ایده‌ها، به این پرسش پاسخ دهند که چگونه نهادها تغییر می‌کند. به اعتقاد اندیشمندان مذکور، نهادگرایان با تأکید بر وابستگی به مسیر، عملاً نمی‌توانند توضیح مناسبی درباره تغییرات بیان کنند و برای حل این مشکل، باید به تأثیر ایده‌های جدید در تغییر نهادها توجه کرد (کمپل، ۱۹۹۸؛ هی، ۲۰۰۶؛ اشمیت، ۲۰۰۶-۲۰۰۸). اما از میان اندیشمندان مذکور، اشمیت

1. Transaction
2. Entity
3. Central Transaction
4. Auxiliary Transaction

معتقد است که توجه به ایده‌ها لازم است، ولی کافی نیست، زیرا به اعتقاد وی، کسانی که فقط تأثیر ایده‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند، از فرایند تولید، انتشار و مشروعیت یافتن ایده‌ها که کنشگران اجتماعی انجام می‌دهند، غفلت می‌کنند (اشمیت، ۲۰۰۸: ۳۰۶). این انتقاد دقیقاً همان انتقاد آئوکی به نورث درباره مشکلی است که در نظریه‌اش نیز وجود دارد. اشمیت برای حل این مشکل، از نظریه‌های گفتمانی استفاده می‌کند و نظریه خود را نهادگرایی گفتمانی^۱ نامیده است. وی در توضیح درباره استفاده از واژه گفتمان بیان می‌کند پژوهشگرانی که از واژه گفتمان استفاده می‌کنند، فقط مجموعه‌ای از ایده‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهند که قوانین، ارزش‌ها و کردارهای جدید را به همراه دارند، بلکه به منابعی توجه می‌کنند که کنشگران کارآفرین برای تولید و مشروعیت‌بخشی به ایده‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند (اشمیت، ۲۰۰۶: ۱۰). اشمیت برای تبیین بهتر نظریه خود، از نظریه‌های هابرماس درباره حوزه عمومی کمک گرفت و از این زاویه، بحث گفتمان را مورد توجه قرار داد. نظریه اشمیت، پیچیدگی‌هایی دارد، اما در نظریه وی و نظریه‌های دیگری که تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل پساساختارگرا (یورگنس و فیلیپس^۲، ۲۰۰۲، ۱۱) یا به قول میر^۳، کارکردگرا^۴ (میر، ۲۰۰۴: ۱۲) نامیده می‌شود، نکاتی وجود دارد^۵ که توجه به آنها، برای درک بهتر تحول نهادی ضروری است. در ادامه برخی از نکات مذکور بیان می‌شود.

۱. در یک زمان مشخص، ممکن است کارآفرینان سیاسی و اجتماعی، چندین گفتمان (ایده) را پیشنهاد کنند. نورث و گریف این نکته را مورد توجه قرار نداده‌اند. در این وضعیت، اینکه کدام یک از ایده‌ها بیشتر مورد پذیرش عمومی قرار گیرد، به عوامل مختلفی منوط است که در ادامه بیان می‌شود.

۲. نورث به بیان این موضوع می‌پردازد که تغییر نهی با خلق باورهای (ایده‌ها) جدید آغاز می‌شود، اما هیچ توضیحی درباره این موضوع بیان نمی‌کند. همان طور که لاکلو^۶ بیان کرده است، یکی از نکات مهم در پذیرش یک گفتمان (ایده) جدید این است که گفتمان مذکور، با اصول بنیادین و پذیرفته شده جامعه در تضاد نباشد (لاکلو، ۱۹۹۰: ۶۶).

۳. همان طور که اشمیت به طور پراکنده (اشمیت، ۲۰۰۸) و سایر اندیشمندان گفتمانی، به طور مسبوط بیان کرده‌اند، رسانه‌های عمومی و نهادهای مدنی، تأثیر مهمی در گسترش و مشروعیت

1. Discursive Institutionalism
2. Jurgensen & Philips
3. Mayr
4. Functionalist

۵. برای آشنایی بیشتر با نظریه‌های گفتمان، ر. ک. به یورگنس و فیلیپس، ۲۰۰۲ و فرکلاف، ۱۳۷۹

6. Laclau

گفتمان‌ها (ایده‌ها) دارد. فرکلاف^۱ حتی درباره تأثیر نهادهای بین‌المللی نیز بحث می‌کند (فرکلاف، ۲۰۰۶) و در مجموع، این عوامل را به عنوان "قدرت پشت گفتمان"^۲ در نظر می‌گیرد (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۴۶). وی معتقد است هر قدر پشت یک گفتمان بیشتر باشد، امکان پذیرش آن در بین عموم مردم بیشتر است. البته در سالیان اخیر، برخی از نهادگرایان نیز بر لزوم توجه به رسانه‌ها در بررسی تغییرات نهادی تأکید کرده‌اند (کویین و لی سون، ۲۰۱۰).

در مجموع، ظاهراً توجه به نکاتی که درباره نحوه گسترش باورها (ایده) بیان کردیم، باعث بهبود تحلیل‌ها درباره تغییر نهادی می‌شود و می‌تواند گام مؤثری در درک تغییرات نهادی باشد.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، بسیاری از اندیشمندان به تأثیر نهادها بر مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پی برده‌اند و همگان پذیرفته‌اند که نهادها مهم است. اهمیت نهادها و تأثیر آنها در جوامع سبب شده است که مسأله تغییر نهادی، در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان نهادگرا و پژوهشگران توسعه قرار گیرد. اما بیان تبیینی درباره دلایل تغییرات نهادی، به چالشی مهم در برابر اندیشمندان نهادی و نظریه پردازان توسعه بدل شده است.

در میان تحلیل‌های مختلفی که درباره تغییرات نهادها بیان شده است، گروهی از نهادگرایان تلاش کرده‌اند با تأکید بر تأثیر ایده‌ها، به تبیین مسأله تغییر نهادی بپردازند که نورث و گریف، از مهمترین اندیشمندان در این حوزه هستند. تبیین اندیشمندان مذکور، به ویژه تبیین نورث، با استقبال بیشتری روبرو شده است، اما تبیین وی نیز ضعف‌هایی دارد. به اعتقاد وی، باورهای (ایده‌ها) جدیدی که کارآفرینان ارائه می‌کنند، عامل تغییر نهادی است، اما ظاهراً توجه به این نکته که ممکن است در یک زمان چند ایده جدید مطرح شود و نیز توجه به عواملی مانند همخوانی ایده‌های جدید با اصول بنیادین جامعه، تأثیر رسانه‌ها در جوامع مدنی و حتی نهادهای بین‌المللی، از جمله عواملی است که سبب بهبود تحلیل‌ها درباره تغییر نهادی می‌شود. علاوه بر این، توجه به نکات مذکور، می‌تواند برای سایر نظریه‌ها درباره تغییر نهادی مفید باشد و گام مؤثری برای بهبود تحلیل‌ها درباره تغییر نهادی باشد.

منابع

الف فارسی

- چالمرز، آلن اف (۱۳۷۹). *درآمدی بر مکاتب علم شناسی*. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: انتشارات سمت.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لاکلو، ارنست (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسین علی نودری، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- متوسلی، محمود، مشهدی احمد، محمود، نیکونستی، علی (۱۳۸۹). غفلت از مسأله نهاد، دلایل و اثرات آن بر مطالعات بین رشته ای در اقتصاد، فصلنامه مطالعات بین رشته ای، ۱ (۳).
- متوسلی، محمود، مشهدی احمد، محمود، نیکونستی، علی، سمیعی نصب، مصطفی (۱۳۸۹). اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

ب انگلیسی

- Acemoglu, Daron., Johnson, Simon., & Robinson, James. A. (2001). The colonial origins of comparative development: an empirical investigation. *American Economic Review*, 91.
- Aoki, Masahiko (2007). Endogenizing Institutions and Institutional Changes. *Journal of Institutional Economics*, 3, 1-31.
- Aoki, Masahiko (2010). Understanding Douglass North in game-theoretic language. *Structural Change and Economic Dynamics*, 21, 139-146.
- Campbell, J. L. (1998). Institutional Analysis and the Role of Ideas in Political Economy. *Theory Society*, 27(3), 377-409.
- Coase, Ronald (1999a). An Interview with Ronald Coase. *ISNIE Newsletter*, 2(1).
- Coase, Ronald (1998). The New Institutional Economics. *The American Economic Review* Hodgson.
- Coase, Ronald (1999b). The Task of the Society, Opening Address to the Annual Conference. *ISNIE Newsletter*, 2(2).
- Commons, John R. (1931). Institutional Economics. *The American Economic Review*, 21(4), 648-657.
- Coyne, Christopher J. & Leeson, Peter T. (2010). Media as a Mechanism of Institutional Change and Reinforcement. *Kyklos*, 62(1), 1-14.
- Denzau, Arthr T. & North, Douglass (1994). Shared Mental Models: Ideologies and Institutions. *Kyklos*, 94.
- Fairclough, Norman (2001). *Language and Power*, London: Longman.
- Faircloughf, Norman (2006). Critical discourse analysis. *Marges Linguistiques*, 9, 76-94.
- Fiori, Stefano (2001). Alternative visions of change in Douglass North's new institutionalism. *Journal of Economic Issues*, 36(4).
- Gorges, Micheal (2001). New Institutional Explanations for Institutional Change: A Note

- for Caution. *Politics*, 2.
- Greif, Avner & David, D. Laitin (2004). A Theory of Endogenous Institutional Change. *American Political Science Review*, 98, 633–652.
- Greif, Avner (2006). *Institution and the Path to the Modern Economy. Lessons from Medieval Trade*. Cambridge University Press.
- Hall, Peter & Taylor, Rosemar C. R. (1996). Three New Institutionalisms. *Political Studies*, XLIV.
- Hamilton, Walton (1919). The Institutional Approach to Economic Theory. *American Economic Review*, 9(1).
- Hay, Colin (2006). Constructivist institutionalism. In Rawrodes, S. Binder, B. Rockman, *The Oxford Handbook of Political Institutions*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Hodgson, G. M. (2002). The Evolution of Institutional Economics: Agency, Structure and Darwinism in American Institutionalism. Routledge.
- Hodgson, Geoffrey M. (2002). A Modern Reader in Institutional and Evolutionary Economics, Edward Elgar.
- Hodgson, G. M. (2006). What Are Institutions? *Journal of Economic Issues*, XL, (1).
- Jameson, Kenneth P. (2006). Has Institutionalism Won the Development Debate?. *Journal of Economic Issues*, 40(2).
- Jurgensen, M. & Philips (2002). *discourse analysis*. London. Sage Publications.
- Kingston, Christopher & Caballero, Gonzalo (2009). Comparing theories of institutional change. *Journal of Institutional Economics*, 5(2), 151–180.
- Klein, Peter. G. (1999). *New Institutional Economics*. In Boudewijn and Grit De Geest, *Encyclopedia of Law and Economic*. Edward Elgar.
- Laclau, Ernesto (1990). *New reflections on the revolution of our time*. London: Verso
- Mahoney, James & Thelen, Kathleen (2010). A Theory of Gradual Institutional Change. In Mahoney, James, Thelen, Kathleen, *Explaining Institutional Change: Ambiguity, Agency, and Power*. Cambridge University Press.
- Mantzavinos, C., North, Douglass. C. & sharig, Syed (2004). Learning, Institutions and Economic Performance. *Perspectives on politics*, 2 (1).
- Mayr, Andrea (2004). *Prison Discourse*. Palgrave Macmillan.
- Menard, Claude & Shirley, Mary M. (2010). The Contribution of Douglass North to New Institutional Economics. Presentation at The Legacy and Work of Douglass C. North: Understanding Institutions and Development Economics. a conference at the Center for New Institutional Social Science. Washington University in St. Louis.
- Mitchell, Wesley. C. (1910). The Rationality of Economic Activity. *The Journal of Political Economy*, 18(3), 197–216.
- North, Douglass. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge, U. K. and N. Y.: Cambridge University Press.
- North, Douglass. C. (2001). Needed: A Theory of Change in Gerald M. Meier and Joseph E. Stiglitz, *Frontiers of Development economics; The Future in Perspective*, Edited by. Oxford University Press.
- North, Douglass. C. (1995). The New Institutional Economics and Third World Development. in John Harriss, Janet Hunter and Colin M. Lewis, *The New Institutional Economics and Third World Development*. Routledge.
- North, Douglass. C. (2005). *Understanding the process of Economic Change*. Princeton University Press

- North, Douglass. C. (1994). Economic Performance Through Time. *The American Economic Review*, 84(3), 359–368.
- Ostrom, Elinor (1990). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. New York: Cambridge University Press.
- Rodrik, Dani(2008).Thinking about Governance. In *Governance Growth and Development Decision-making*. World Bank
- Rosenbaum, Eckehard. F. (2001). Culture, Cognitive models, and the performance of institutions in transformation Culture. *Journal of Economic Issue*, 35.
- Rutherford, Malcolm (2000). Institutionalism Between the Wars. *Journal of Economic Issues*, XXXIV(2).
- Schmidt, Vivien A. (2006). Give Peace a Change: Reconciling Four (NOT THREE) New Institutionalism. Paper prepared for presentation for the Annual Meetings of the American Political Science Association.
- Schmidt, Vivien. A. (2008). Discursive Institutionalism: The Explanatory Power of Ideas and Discourse. *Annual Review of Political Science*, (11).
- Schumpeter, Joseph A. (1981). *History of Economic Analysis*. Routledge.
- Shirley, Mary.M. (2008). Institutions and Development. In Claude Menard and Mary M. Shirley, *Handbook of New Institutional Economics* (pp. 611–638). Springer, Netherlands.
- Smith, Adam (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. Edwin Cannan.
- Torfin, Jaco (2001). Path-Dependent Danish welfare Reforms: The Contribution of New institutionalism to understanding Evolutionary Change. *Scandinavian political studies*, 24(4).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی